



# نقش سرنوشت‌ساز روستا در توسعه اقتصاد ملی

■ دکتر حسین آسایش،

استاد دانشگاه

● قسمت اول

## ■ تعریف روستا

قبل از ورود به بحث اصلی، تعریفی از روستاهای کشورهای جهان سوم به ویژه کشور خودمان ایران ارائه می‌دهم، اما نه تعریف کلیشه‌ای و متداولی که قرن‌هاست از روستا یاد می‌شود و همگی کم و بیش از آن اطلاع داریم.

روستا کجاست و یا چیست؟ روستا جایی است که میلیون‌ها نفر از هموطنان ما در آنجا ساکنند و زندگی می‌کنند. همان جایی که علاوه بر ساکنان خود، غذای میلیون‌ها نفر از هم‌میهنانش را در شهرها نیز تأمین می‌کند.<sup>(۱)</sup>

غذا چیست؟ غذا مایه حیات انسان‌هاست. همان چیزی که اگر نباشد انسان هم نخواهد بود، و اگر کم باشد، انسان سالم، آزاد و مستقل نخواهد بود.

امروز که شما غذا خوردید، حدود ۱۴۰۰ نفر از گرسنگی، سوءتغذیه و یا امراض ناشی از آن در جهان مردند. فردا در این ساعت ۴۱ هزار نفر از گرسنگی و یا امراض ناشی از آن خواهند مرد. هفته دیگر در این ساعت این تعداد به ۲۱۷ هزار نفر و سال دیگر به حدود ۱۵ میلیون نفر خواهد رسید. (این اعداد انسان هستند نه ارقام و یا چیز دیگر، انسانی مثل من و شما).

گرسنگی تازیانة الهی نیست، بلکه ننگ و رسوایی واقعی بشر است. "ولقد مکناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معاش قلیلاً ما تشکرون" (و همانا بروری زمین به شما تمکین و اقتدار بخشیدیم و از هر نوع روزی بر شما مقرر داشتیم، ولی تعداد اندکی از شما در شمار، شکرگزاران هستید)<sup>(۲)</sup>.

در گزارشی که در آغاز سال ۱۹۸۲ توسط مدیر اجرایی یونیسف درباره وضع کلی بچه‌های کشورهای توسعه نیافته منتشر شد، چنین تشریح شده است:

"سال ۱۹۸۱ سال دیگری از حوادث همراه با سکوت بوده است. در این سال ۴۰ هزار بچه هر روز در سکوت مردند و ۱۰۰ میلیون بچه هر شب در سکوت با گرسنگی خوابیدند، ۱۰ میلیون بچه در سکوت، معلول جسمی و فکری شدند و ۲۰۰ میلیون کودک ۶-۱۱ ساله در سکوت دیدند که چگونه بقیه بچه‌های هم سن و سال آنها به مدرسه رفتند. به طور خلاصه  $\frac{1}{6}$  جمعیت جهان در سکوت فقط برای نفس کشیدن و ادامه حیات مبارزه کردند"<sup>(۳)</sup>.

روستا جایی است که رفته رفته تحلیل می‌رود، ولی شهرها را روز به روز متورم‌تر، پر رونق‌تر و پر زرق و برق‌تر می‌کند.

بالاخره روستا جایی است که از قرن‌ها پیش در آن زمانهای دور که نفت نبود، گاز و صنعت نبود، تولیداتش تنها منبع درآمد و تضمین کننده استقلال و آزادی کشورها از جمله کشور ما بود. و امروز هم با تمام توجهی که به صنعت می‌شود، ابرقدرتها از جمله آمریکا به میزان و مقدار تولید گندمشان بیشتر می‌نازند تا میزان اسلحه‌های خانمان برانداز.

خصیصه بارز روستا<sup>۱</sup> در آن است که قبل از هر چیز، تغذیه کننده انسان‌هاست و می‌تواند بدون تکیه و نیاز به شهر، به حیات خود ادامه دهد، در حالی که شهر بی‌وجود روستا و بدون بهره‌گیری از منابع آن، محکوم به نابودی است.

با توجه به وسعت تشهای دنیای جدید، بدون هرگونه مبالغه و تعصب می‌توان گفت که بقای جهان و دوام دنیای صنعتی و تکنولوژی و تأمین تغذیه جمعیت اضافی، در حقیقت باری است سنگین بردوش روستاها در جهان و کشور ما!

بدین ترتیب مراد هر چه باشد و هدف را هر چه تعیین کنیم و مقصد هر کجا باشد، در لزوم شناخت و کشف دوباره و هر چه عمیقتر روستا هیچ‌گونه تردیدی به جا نمی‌ماند. این مسأله مخصوصاً در



کشورهای جهان سوم که جمعیت‌شان در حال رشد سریع و افزایش است، شدت بیشتری دارد، زیرا اشتغال صنعتی این گروه از کشورها گرچه کمتر نیست، لکن دهانهای باز و شکم‌های گرسنه بسیار پرطمی دارند. جالب اینجاست که این دهانهای باز و معده‌های نیم‌سیر، محرومیت از نان را کمتر از محرومیت از تمدن صنعتی جدید تحمل می‌کنند! و در "عصر غذا" ابر قدرتها از نقاط ضعف کشورهای فقیر آگاهند و برای اجرای مقاصد شوم خود حداکثر استفاده را از این نقطه ضعف کشورهای فقیر می‌کنند.

گویاترین شاهد بر این مدعا، گفته "اِریل بوتز" Earl Butz وزیر اسبق کشاورزی آمریکا است: "... بدین علت است که کشاورزی این ملت (آمریکا) چنین اهمیت استراتژیک دارد .... ملت‌های دیگر ممکن است قدرت نفتی باشند، اما قدرت کشاورزی، با اضافه تولید ... ما بایستی قدرت کشاورزی را با تمام توان و دقت اعمال نماییم" (۴) قبل از اِریل بوتز، "Herbert Hoover" نخستین سیاستمدار آمریکایی بود که متوجه شد، در مقایسه با دیپلماسی فاقه‌های تولیدار و مداخله نظامی، غذا اغلب وسیله مؤثرتری برای رسیدن به مقصود است و در عین حال وسیله‌ای است برای حمایت زارعان ایالات متحده. نظم نوین اقتصادی جهان به وضوح نشان می‌دهد که هر چه کشورهای در حال توسعه بیشتر به تجارت جهانی وابسته شوند، به همان نسبت اوضاعشان تنزل خواهد یافت و فقرا به طور فزاینده‌ای فقیرتر خواهند شد.

می‌کند: (روی دیگر سکه)

است و اگر هم تغییراتی داشته مربوط به دهه‌های اخیر است. ولی در شهرها برعکس روستاها، ممکن، پوشاک، تغذیه، بیمارستان، مدرسه و دانشگاه .... در دسترس می‌باشد و در مجموع، برخلاف اکثریت روستاییان موقعیت اقتصادی روشن زندگی‌شان ناامیدکننده نیست. خلاصه اینکه یکی دارا و یکی ندارد، یکی بی‌سواد و دیگری باسواد، یکی شکم سیر و چاق و دیگری گرسنه و مبتلا به سوء تغذیه، یکی با میزان متوسط رشد جمعیت و دیگری با میزان خیلی زیاد.<sup>۴</sup>

خوشبختانه در روستاهای ما، تنها مایه آرامش، ستهای پسندیده و معنوی و ایمان قوی مردم است که آنها را مقاوم و پایدار و امیدوار در مقابل همه این مشکلات نگه داشته است.

"روستا همان جایی است که اکثریت عظیمی از فقیرترین مردم کشورهای جهان سوم (از جمله کشور ما) در آنجا زندگی می‌کنند و عمدتاً به کشاورزی معیشتی یا "بخور و نمیر"<sup>۳</sup> اشتغال دارند. مسأله اصلی آنها ادامه بقاست. این افراد دارای مسکن نامناسبی هستند و از تغذیه کافی نیز برخوردار نیستند." بهداشت‌شان نامناسب است، اکثراً نمی‌توانند بخوانند و بنویسند. معمولاً بیکار و چشم‌اندازشان برای داشتن یک زندگی بهتر، تاریک در بهترین شرایط نامطمئن است. در این جا درآمد پولی ناچیز است. جاده، مدرسه، بیمارستان، برق و منبع آب ناچیز و نامناسب است. خلاصه کلام به نظر می‌رسد که در این جا زندگی نسبت به چند قرن اخیر چندان تغییر نکرده

مشهور است که مهمترین اهمیت سیاست کمک غذایی آمریکا بر وابستگی شدید کشورها به آن قرار دارد. در حالی که اضافه تولید گندم آمریکا در اختیار جهان بود، شیوه تغذیه در همه جهان تغییر یافت .... این تغییر شیوه تغذیه (عادات غذا خوردن) وابستگی عجیبی به وجود آورد. به طوری که ۹۰ درصد گندم نانواییها در قاهره و اسکندریه از آمریکا می‌آید. همچنین آمریکا نیاز گندم کشورهای دیگر را هم به ترتیب زیر تأمین می‌کند. برزیل ۴۸ درصد، ونزوئلا ۸۷ درصد، اکوادور ۹۰ درصد، کره جنوبی ۹۴ درصد، فیلیپین ۹۳ درصد.

و اما "مایکل تودارو" Michael P. Todaro اقتصاد دان پراوازه معاصر، روستا را این طور تعریف

شایان ذکر است که در سه قرن اخیر در ایران - جز در دوره‌های کوتاه - هرگز به وحشتناکی فقر بعضی از کشورهای آفریقا یا آسیا همچون کشورهای هندوستان و چین در قرن گذشته نبوده است. در این کشورها، فقر به صورت یک امر عادی درآمده و میلیونها نفر از مردم از گرسنگی می‌میرند. هم اکنون نیز، میلیونها نفر از مردم در هندوستان، در کنار خیابانهای شهرها، به دنیا می‌آیند، در کنار خیابانها زندگی خود را می‌گذرانند و در همان کنار خیابانها هم می‌میرند.<sup>۵</sup>

وسعت فقر در کشور ما هرگز تا این حد نبوده است. تنها در اثر بروز، قحطی، زلزله و یا بیماریهای همه گیر مانند وبا تعداد کثیری از مردم از گرسنگی می‌مردند. با این همه نمی‌توان گفت که فقر در ایران نبوده است یا نیست، بلکه به دلایل گوناگون تا کنون شاخص دقیق فقر در کشور ما محاسبه نشده است.

## ■ زمینه خدمات اجتماعی مناطق روستایی به روایت آمار

حال به نمونه‌هایی از گزارش نتایج سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۶۵ توجه می‌کنیم که نشان می‌دهد که در زمینه خدمات اجتماعی، چگونه مناطق روستایی کشور ما به صورتی نظام‌دار از مناطق شهری عقب می‌ماند:

● امید به زندگی - روستاییان ما، امید به زندگی کمتری نسبت به شهرها دارند. امید به زندگی به هنگام تولد در سال ۱۳۶۵ در کل کشور ۶۰/۷، در نقاط شهری ۶۴ و در نقاط روستایی ۵۶/۹ سال برآورد شده است. بدین ترتیب شهرها، ۸ سال بیشتر از روستاییان عمر می‌کنند.

● مرگ و میر اطفال - مرگ و میر اطفال در مناطق روستایی، نزدیک به دوبرابر مناطق شهری است. در سال ۱۳۶۵ رقم مرگ و میر کودکان ۷۶ در هزار برای کل کشور (۹۹/۱) در هزار برای نقاط روستایی و ۵۶/۵۷ در هزار برای نقاط شهری (گزارش شده است).

● مرگ و میر عمومی - براساس طرح اندازه‌گیری رشد جمعیت، متوسط میزان مرگ و میر عمومی در نقاط روستایی ۱۳/۹ در هزار و در نقاط شهری ۸/۳ در هزار گزارش شده است.

● باسوادی - نرخ باسوادی در شهرهای بیش از ۱/۵ برابر روستاهاست (۷۳/۲ درصد در مقابل

۴۸/۴ درصد). این تفاوت در مورد زنان خیلی بیشتر است. در بعضی مناطق، بی سوادی در سطح گسترده ای دامگیر روستاییان است، به طوریکه به عنوان نمونه ۶۸ درصد جمعیت شش ساله و بالاتر شهرستان هشتروند را در بر می‌گیرد. همچنین تنها ۴۴ درصد کودکان و نوجوانان لازم‌التعلیم، از آموزشهای رسمی برخوردارند.

● تسهیلات آب و بهداشت محیط - پوشش جمعیت روستایی از این بابت به طور متوسط نزدیک نصف پوشش جمعیت شهری است.

● درآمد - در سال ۱۳۶۹ درآمد یک خانوار شهری ۱/۶ برابر در آمد یک خانوار روستایی بوده



است (۲۰۱۰۵۴۷ ریال در مقابل ۱۲۵۱۰۶۷ ریال).

● آب، برق و حمام - در مهر ماه سال ۱۳۶۵، ساکنان شهرها به ترتیب ۹۷/۴ درصد از برق ۹۰/۳ درصد از آب لوله کشی و ۶۳/۲ درصد از حمام در محل سکونت خود استفاده می‌کرده‌اند. این نسبت

در نقاط روستایی به ترتیب ۶۵/۱ درصد، ۵۱/۵ درصد و ۱۷/۲ درصد بوده است.<sup>۶</sup>

به طور کلی روستاییان وضعیتی نامطلوبتر از شهرها دارند. آنها در کودکی دسترسی کمتری به امکانات آموزشی و مراقبتهای بهداشتی دارند. در بزرگسالی هم از خدمات آموزشی و تربیتی کمتری بهره‌مند هستند و ساعات طولانی، به ازای درآمدهایی پایین تر کار می‌کنند و از حقوق کمتری برخوردارند.

معمولاً ارقام متوسط ملی در ارتباط با استفاده از خدمات عمومی در کل مناطق روستایی کشور، نابرابریهای قابل توجهی را که بین استانها - بویژه شهرستانها - وجود دارد، از نظر پنهان می‌دارد.

ارقام به دست آمده از سرشماری اخیر<sup>(۶)</sup> نشانگر این واقعیت است که بعضی از مناطق روستایی کشور، از لحاظ برخورداری از کلیه خدمات زیربنایی، به ویژه خدمات بهداشتی و درمانی و آموزشی شدیداً در مضیقه قرار دارند و به طور کلی می‌توان گفت، کم توسعه‌ترین مناطق و یا احتمالاً کم استعدادترین مناطق از بیشترین محرومیت‌ها رنج می‌برند. از این رو، در هر گونه تلاش ملی در جهت بهبود فرآیند توسعه روستایی در کشور باید به محرومترین مناطق اولویت داده شود و اصولاً برخلاف گذشته، باید توزیع خدمات را از محرومترین مناطق شروع کرده جدول شماره (۱) گویاترین وضع نابرابری را در توزیع خدمات بین مناطق توسعه یافته و مستعد شمال (آمل) و محرومترین منطقه کشور (هشتروند) نشان می‌دهد. به عنوان نمونه طبق جدول، در آمل برای هر دو روستا یک حمام وجود دارد، در صورتی که در هشتروند برای هر ۲۲ روستا یک حمام موجود است. همچنین در آمل برای هر ۶ روستا، یک خانه بهداشت وجود دارد که این رقم برای هشتروند ۲۶۶ روستا است

جدول ۱- تعداد آبادیهای دارای سکنه کشور واجد امکانات بهداشتی و درمانی برحسب شهرستان (۱۳۶۵)

شرح	تعداد آبادی	حمام	مراکز بهداشتی درمانی	خانه بهداشت	پزشک	بیمارومامای بهداشتیار	بهبودبخش
کل کشور	۶۵۳۴۹	۱۶۰۵۲	۲۹۵۶	۴۸۰۰	۲۰۲۰	۳۳۵۴	۴۱۵۴
شهرستان آمل	۴۰۹	۲۲۶	۲۴	۶۹	۴۷	۲۵	۹۵
شهرستان هشتروند	۵۳۳	۲۴	۹	۲	۱۰	۲۱	۴۸

(صرفنظر از فاصله بسیار دور و کیفیت بسیار بد راه‌های روستایی هشتروند)<sup>(۵)</sup>.

باید پرسید، زمانی که تنها ۹ روستا از مجموع ۵۳۳ آبادی دارای مرکز بهداشتی و درمانی، ۲ روستا دارای خانه بهداشت و ۲۴ روستا دارای حمام بوده و تنها ۱۰ روستا از پزشک و ۴۸ روستا از خدمات بهداشتی برخوردار است و فقط ۲۸ روستا از آب لوله‌کشی تصفیه شده استفاده می‌کنند، چه انتظاری بیش از آنچه هست می‌توان داشت؟<sup>(۶)</sup> (جدول شماره ۲)

## ■ لزوم توجه به اولویت دادن به توسعه از روستا

شاید نامعقول نباشد که مهمترین محرومیت را در اصلی‌ترین امکانات جستجو کنیم که در واقع نیازهای اساسی "انسان" یا توسعه انسانی را که امروزه مدنظر است در برمی‌گیرد. بدیهی است هر انسانی برای سالم به دنیا آمدن، سالم زیستن و سالم ماندن در وهله اول به بهداشت مناسب و در مواقع ضروری به امکانات درمانی مناسب نیازمند است. دومین جنبه که از لحاظ کیفی فراتر از مورد قبلی است، مسأله "تعلیم و تربیت" است. علاوه بر اینکه برخورداری از امکانات فوق، حق هر انسان اجتماعی است، تأثیر آن را در کارایی اقتصادی و اجتماعی نیز می‌توان نادیده انگاشت. این نابرابریها می‌تواند به روشنی، ضرورت توسعه و برنامه‌ریزی را در مناطق روستایی به نحو گویایی بازگو کند و بگوید: اگر قرار است که توسعه‌ای انجام گیرد و مستمر باشد باید به طور اعم از مناطق روستایی و بطور اخص از بخش کشاورزی آغاز شود، زیرا مسایل اساسی فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده، همگی ریشه در عدم توسعه و سیر قهقراپی زندگی اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی دارد و براساس این پایه

درآمد در نواحی روستایی شده است. در حالی که سیاست واردات پودرمانه و تکنولوژی کاربر برای صنعتی شدن، بدان معنی بوده است که تعداد مشاغل شهری، با فزونی یافتن شمار جویندگان کار رشد نکرده است.<sup>(۸)</sup>

حکومت‌های جهان سوم - به استثنای معدودی - به ضرر روستاها و به سود شهرها گام برمی‌دارند. "مایکل لیتون"، تحلیل‌گر ارتباط روستا - شهر در کشورهای در حال توسعه معتقد است: بخش روستایی بیشترین فقر و بالاترین منابع ارزان بالقوه و پیشرفت را در اختیار دارد، در حالی که بخش شهری، قادر شده است که در اکثر برخوردارهای خود با روستاییان پیروز شود، اما در این راه فرآیند توسعه را بی‌جهت کند و نابرابر کرده است.<sup>(۹)</sup>

"جان ملر" (J. Meller) محقق دیگری که در ارائه نقش کشاورزی در توسعه از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است، معتقد است که کشاورزی لااقل به چهار طریق می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند: فراهم ساختن نیروی کار، تأمین غذا در مراحل حساس آغازین توسعه، فراهم ساختن ارز، سرمایه، و بالاخره فراهم ساختن بازار برای کالاهای صنعتی.<sup>(۹)</sup>

همان‌طور که تقویت یک پای انسان، در صورت عدم تقویت پای دیگر، نه تنها بر حرکت وی نمی‌افزاید، بلکه موجب عدم تعادل وی می‌گردد، تکیه بیش از حد بر یک بخش از اقتصاد، موجب عدم تعادل و حتی از هم پاشیدگی اقتصادی در یک جامعه می‌شود. باید خاطر نشان کرد که اقتصاد به عنوان "دوپا" تمامی وجوه حرکت جامعه را در برنمی‌گیرد، بلکه رشد وجوه فرهنگی، علمی، عدالت اجتماعی و... که توسعه همه جانبه جامعه را موجب می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد.<sup>(۱۰)</sup>

در حال حاضر در اقتصاد ایران پیوندها در حد مطلوب برقرار نیست، زیرا بسیاری از نهاده‌ها، مواد اولیه و قطعه‌های مورد نیاز بخش کشاورزی و بسیاری مواد اولیه‌ای که منشأ کشاورزی دارند و مورد نیاز صنایع غذایی، صنایع نساجی، چرم و صنایع سلولزی (چوب و کاغذ) هستند از خارج وارد می‌شوند مهمتر از همه، وابستگی مصرف‌کنندگان کشور به پاره‌ای از فرآورده‌های مهم کشاورزی وارداتی مثل گندم و گوشت است.

● بقیه در صفحه ۴۸

فکری و تجربی است که امروزه اقتصاددانان توسعه، نسبت به مطلوبیت بیش از حد صنعتی شدن سریع - بویژه در کشورهای در حال توسعه - تردید دارند و عده‌ای از دانشمندان که شمارشان اندک نیست، توسعه کشاورزی و روستایی را ناگزیر از توسعه ملی می‌دانند و معتقدند بدون توسعه کشاورزی و روستایی، رشد صنعتی یا موفق نخواهد شد و یا در صورت موفق شدن دیر یا زود دچار عدم تعادل‌های شدید داخلی در اقتصاد خواهد گردید که مشکلات فقر گسترده و عدم تعادل، نابرابری و بیکاری،



قطعی تر خواهد گشت. "مایکل تودارو و جری ستیل کابند" (Jerry Stilkind)، اقتصاددانان کشورهای جهان سوم می‌نویسند: "برای ملتهای در حال توسعه، سیاست غفلت در کشاورزی... سبب رکود یا رشد نارسای

جدول ۲- نسبت تعداد آبادی دارای خدمات به کل شهرستان

شرح	تعداد آبادی	حمام	مراکز بهداشتی درمانی	خانه بهداشت	پزشک	بیمارومای روستایی	بهداشتیاری بهروز
شهرستان آمل	۴۰۹	۲	۱۷	۶	۹	۱۶	۴
شهرستان هشتروند	۵۳۳	۲۲	۵۹	۲۶۶	۵۳	۲۵	۱۱

مأخذ: جدول شماره ۱۵ سرشماری نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵ (فرهنگ روستایی) کل کشور، شماره ۱۰